

ویرایش و کم رنگی آن در نشر ایران

ویرایش در مفهوم کلی عبارت است از تصحیح و تنظیم متن از نظر محتوا، انشاء، رسم الخط، ساختار، استنادها و دیگر فنون مربوط و آماده کردن آن برای چاپ و نشر. بهاءالدین خرمشاهی در گفت و گوی ۴ تیرماه ۱۳۸۶ در روزنامه اطلاعات، ویراستاری را زدودن نقص و غلط‌های رایج و دستوری و به‌سامان آوردن متن براساس نثر معیار می‌داند، و نثر معیار را، زبان رسمی هر سرزمینی می‌داند که رسانه‌ها، کتاب‌های درسی، آموزشی و دانشگاهی و غالب کتاب‌ها به آن زبان نوشته می‌شود، سخنرانی‌ها به آن زبان صورت می‌گیرد؛ به عبارتی نثر همگان است و همین‌طور نثر فرهیختگان.

ویراستار، به‌مثابه چشم دوم نویسنده، می‌کوشد اثر را از هرگونه اغلاط نگارشی و دستوری، کاستی‌های ساختاری، خطاهای محتوایی، مشکلات استنادی، و نظایر آن دور سازد و اثر ارزشمندی را برای کند. ویراستار نه‌تنها اثر را از نظر دستور می‌کند، بلکه همچون باغبانی است برگ‌های اضافی را می‌زداید.

«ویراستار چگونه آدمی است و چه ع شماره ۲) می‌نویسد که «ویراستار نداشته باشد، در اختیار می‌گیرد و به

تصحیح (یا بهبود) آن کلمات، که کاری است دشوار و طولانی، مبادرت می‌ورزد. ویراستار ممکن است متنی را که ویرایش می‌کند، دوست داشته باشد یا دوست نداشته باشد، تأیید کند یا نکند، ممکن است آن را به‌کل چیز غلطی بیندارد، یا مهملی که به زحمت نیرزد، یا حتی آن را کتاب ضالهای بدانند؛ مع‌هذا وظیفه او ایجاب می‌کند که کیفیتش را بهتر کند».

ویراستار دایه‌ای است که سهم عمده‌ای در پرورش کودکانی دارد که فرزند شخص دیگری به‌شمار می‌روند. او گاه مایل است که سهمش شناخته گردد و گاه ترجیح می‌دهد که گمنام بماند. گمنامی یا از خودگذشتگی ویراستاران اصل رایج و پذیرفته‌شده‌ای است. ویراستار خوب می‌کوشد که اندیشه مبهمی را روشن سازد و اندیشه درخشانی را تالو بخشد. بنابراین حداقل ویژگی‌های ویراستار خوب عبارتند از: آشنایی کافی با موضوع اثر؛ آشنایی با یک زبان بیگانه، به‌ویژه زبان مبدأ اثر (اگر ترجمه باشد)؛ تسلط بر ادبیات فارسی و قواعد درست‌نویسی و شیونویسی و دیگر زمینه‌های مربوط؛ بهره‌مندی از ذوق ادبی و هنری؛ داشتن توان ایجاد ارتباط منطقی بین مفاهیم؛ برخورداری از دقت، نظم، انصاف و حوصله؛ تسلط بر فن ویرایش؛ باریک‌بینی و دلسوز بودن؛ توانایی بیان صحیح همراه با فصاحت و انتظام مطالب.

در کنار این ویژگی‌ها، نباید تعامل بین ویراستار و نویسنده را نادیده گرفت، زیرا ویراستار همانند چشم بیداری عمل می‌کند و نویسنده را از کاستی‌ها و بود و نبوده‌های اثر آگاه می‌سازد و پیشنهادهای خود را با او در میان می‌گذارد و کمک می‌کند تا نویسنده به راهکارهای ارزشمندی برسد. از این‌رو ویراستاری که بتواند ارتباط خوبی با نویسنده، مترجم و جامعه مخاطبان برقرار کند، موفق‌تر عمل خواهد کرد.

بسیار از صاحب‌نظران بر این باورند که اثر ویرایش‌نشده، به درختی ماند که هرس نگردیده و زوائد آن زدوده نشده است، چنین درختی کمتر ثمر دهد و به‌بار ننشیند. در کشورهای پیشرفته بخش ویرایش از مهم‌ترین بخش‌های هر مرکز نشری است و ویرایش جزء لاینفک انتشار هر اثر است. شاید پرسش بسیاری این باشد که ویرایش بر هزینه‌های نشر کتاب می‌افزاید و قیمت کتاب را بالا می‌برد و ممکن است تأثیر منفی در بازار نشر ایجاد کند؛ اما در مقابل چه مزایایی برای ناشر، کتاب و خواننده دارد که گفته می‌شود هر کتابی باید ویرایش شود؟ در پاسخ باید گفت که ویرایش به روانی و شیوایی اثر، ارتباط بهتر خواننده با کتاب، و کاهش اغلاط املائی، نگارشی و مفهومی کمک می‌کند، از نظر بصری و زیبایی‌شناختی بر کیفیت اثر می‌افزاید،

انتشار آماده

زبان فارسی درست

که اثر را هرس کرده و شاخ و

الزی مایرز استیتون در مقاله

می‌کند؟» (ترجمه ناصر ایرانی، نشر دانش، سال

کلمات شخص دیگری را، که احتمال است رغبت ویژه‌ای به آن

سهمش شناخته گردد و گاه ترجیح می‌دهد که گمنام بماند. گمنامی یا از خودگذشتگی ویراستاران اصل رایج و پذیرفته‌شده‌ای است.

ویراستار خوب می‌کوشد که اندیشه مبهمی را روشن سازد و اندیشه درخشانی را تالو بخشد. بنابراین حداقل ویژگی‌های ویراستار خوب عبارتند از: آشنایی کافی با موضوع اثر؛ آشنایی با یک زبان بیگانه، به‌ویژه زبان مبدأ اثر (اگر ترجمه باشد)؛ تسلط بر ادبیات فارسی و قواعد درست‌نویسی و شیونویسی و دیگر زمینه‌های مربوط؛ بهره‌مندی از ذوق ادبی و هنری؛ داشتن توان ایجاد ارتباط منطقی بین مفاهیم؛ برخورداری از دقت، نظم، انصاف و حوصله؛ تسلط بر فن ویرایش؛ باریک‌بینی و دلسوز بودن؛ توانایی بیان صحیح همراه با فصاحت و انتظام مطالب.

در کنار این ویژگی‌ها، نباید تعامل بین ویراستار و نویسنده را نادیده گرفت، زیرا ویراستار همانند چشم بیداری عمل می‌کند و نویسنده را از کاستی‌ها و بود و نبوده‌های اثر آگاه می‌سازد و پیشنهادهای خود را با او در میان می‌گذارد و کمک می‌کند تا نویسنده به راهکارهای ارزشمندی برسد. از این‌رو ویراستاری که بتواند ارتباط خوبی با نویسنده، مترجم و جامعه مخاطبان برقرار کند، موفق‌تر عمل خواهد کرد.

بسیار از صاحب‌نظران بر این باورند که اثر ویرایش‌نشده، به درختی ماند که هرس نگردیده و زوائد آن زدوده نشده است، چنین درختی کمتر ثمر دهد و به‌بار ننشیند. در کشورهای پیشرفته بخش ویرایش از مهم‌ترین بخش‌های هر مرکز نشری است و ویرایش جزء لاینفک انتشار هر اثر است. شاید پرسش بسیاری این باشد که ویرایش بر هزینه‌های نشر کتاب می‌افزاید و قیمت کتاب را بالا می‌برد و ممکن است تأثیر منفی در بازار نشر ایجاد کند؛ اما در مقابل چه مزایایی برای ناشر، کتاب و خواننده دارد که گفته می‌شود هر کتابی باید ویرایش شود؟ در پاسخ باید گفت که ویرایش به روانی و شیوایی اثر، ارتباط بهتر خواننده با کتاب، و کاهش اغلاط املائی، نگارشی و مفهومی کمک می‌کند، از نظر بصری و زیبایی‌شناختی بر کیفیت اثر می‌افزاید،

عبارات و اندیشه‌های نامفهوم و گنگ را اصلاح می‌کند، لغزش‌ها و کوتاهی‌های نویسنده را کاهش می‌دهد، از انتشار مطالب غیرعلمی جلوگیری می‌کند، از سوگیری‌های عمدی و غیرعمدی نویسنده - که ممکن است از چشم ناشر دور مانده باشد - جلوگیری می‌کند و در اقبال مردم به مطالعه کتاب و افزایش فروش مؤثر است.

بنابراین ویرایش به ناشر در انتشار اثری ارزشمند، به نویسنده در رسیدن به حیثیت و شهرت و دانش بیشتر و به خوانندگان در خواندن اثری سلیس و بدون ابهام و اغلاط املائی و دستوری و نظایر آن کمک شایانی می‌کند. اگر ناشر بپذیرد که اعتبار او در گرو کتاب‌های بی‌غلط یا حداقل کم‌غلط است، اگر نویسنده بپذیرد که ویراستار نخستین مخاطب اثر اوست و می‌تواند برای بهبود این اثر به وی کمک کند، و اگر ویراستار به دیدگاه‌ها و سبک نویسنده احترام بگذارد، قطعاً این همکاری سه‌جانبه نتایج مثبت فراوانی خواهد داشت.

ویراستاری کتاب‌های ترجمه البته بسیار ضروری‌تر از کتاب‌های تألیف است، زیرا انتقال درست و کامل یک دیدگاه از زبانی به زبان دیگر، بدون کاستن از بار محتوایی نوشته اصلی، به‌راحتی امکان‌پذیر نیست و ضمن تسلط بر زبان مبدأ و مقصد، نیاز فراوانی به مهارت‌ها و قریحه نویسنده مترجم دارد تا حق مطلب ادا شود. ویراستار در این خصوص می‌تواند یاری‌رسان مترجم باشد.

با همه مزایایی که برشمردیم، چرا به ویرایش و ویراستاری در ایران کم‌توجهی و در بسیاری موارد بی‌توجهی می‌شود. آیا داستان صنعت نشر ما از صنعت نشر کشورهای دیگر جداست؟ یا نویسندگان ما آنگونه می‌نویسند که به ویرایش نیازی نیست؟ آمار نشر کتاب - بر اساس آمارهای موسسه خانه کتاب - در سال ۱۳۸۶ نشان می‌دهد که از مجموع ۵۵۴۲۸ اثر (چاپ اول و مجدد) منتشرشده، فقط ۲۶۳۳ اثر ویراستار داشته‌اند که البته نیک می‌دانیم، درصد بالایی از کتاب‌هایی که ویراستاری شده‌اند، فقط ویرایش صوری بوده و به نقطه‌گذاری و سجاوندی بسنده شده و از ویراستاران باسابقه که خود دستی در نوشتن داشته‌اند، کمتر استفاده شده است.

در گذشته ویراستاران خود نویسندگان قهرای بودند و در نتیجه می‌توانستند خار و خاشاک را از محتوای اصلی نوشته زدوده و مضمون اصلی را بر صدر نشانند؛ ولی امروزه بیشتر کسانی که به این امر اشتغال دارند، یا هنر نوشتن ندارند یا در آغاز راه هستند. با مطالعه نقدهای رسیده به کتاب ماه و نقدهای سایر مجلات حوزه نقد و بررسی کتاب، متوجه می‌شویم که درصد زیادی از مشکلات با ویرایش اثر به‌راحتی قابل رفع است.

به‌راستی چه چیزی باعث این همه کم‌توجهی به ویرایش آثار شده است؟ آیا هزینه‌های بالای انتشار کتاب و اقتصادی نبودن تولید کتاب و همچنین اقبال کم مردم به کتاب و کتاب‌خوانی، باعث کم‌توجهی به ویرایش شده است؟ یا مشکلات فرهنگی و دانشی ناشران علت این امر است؟ یا به‌قول استاد آذرنگ نبود استانداردها و توافقی‌های ملی و عمومی در زمینه نشر، اختلاف سبک و روش در املائی کلمات، نشانه‌گذاری‌ها، کوتاه‌نوشت‌ها و سرنام‌ها، داده‌های کتاب‌شناختی، ترجمه نام و عنوان سازمان‌ها، که مزید بر اختلاف سبک و روش در نگارش و ترجمه است، زمینه را برای تشتت بیشتر و عدم توجه به ویرایش فراهم کرده است؟ در این میان چه کسی مقصر است؟ مؤلف؟ مترجم؟ یا ناشر؟

به‌نظر می‌رسد که علاوه بر مشکلات فوق، عدم توجه نظام آموزش رسمی و دانشگاهی کشور به تربیت ویراستاران متخصص نیز مزید بر علت شده است. بیشتر ویراستاران با گذشت زمان و مطالعه جزوه‌های موجود یا با شرکت در دوره‌های کوتاه‌مدتی که نهادهایی چون مرکز نشر دانشگاهی و اتحادیه ناشران و نظایر آن برگزار می‌کنند، به اصطلاح ویراستار می‌شوند و برخی تصور می‌کنند که اگر سبک نویسنده‌ای را به‌هم بزنند، یعنی ویرایش کرده‌اند که این خود باعث ایجاد فاصله بین نویسنده و مترجم و ویراستار شده و از همین رو بسیاری ترجیح می‌دهند که صرفاً اثرشان ویرایش صوری شود.

درج نام مدیران مسئول برخی از ناشران کشور به‌عنوان ویراستار (!) در صفحه شناسنامه بسیاری از کتاب‌هایی که منتشر می‌کنند، که نه جایز است و نه قابل درک، خود حدیث مفصلی است که از پرداختن به آن صرف‌نظر می‌شود.

امیدواریم که ویراستاری آثار، از دغدغه‌های اصلی ناشران گردد و شاهد انتشار آثار ارزشمندتری باشیم، شاید این خود به گرایش بیشتر مردم به کتاب و فروش بیشتر آن بینجامد. ان‌شاءالله.

داریوش مطلبی